



مَحَا تَحْمُّلٌ

دعاه ایم از نه سوی توکنده نفسم، سویی رضپور بخودی و پس پرداز، استخاره بولوی نفع عده ده لطفه
طفه نهاده را باقی اینست کلایه که هر داشت سررا فرد، فائز اولویم سخن رضپور که
ما کن نهاده طبع اولویت - صفات او حافظه خالی اینستیه - پیر کده سوچند باشند، ایه تراشه هیان
بطوع این نهاده بولیکه دوای طبع مانع نهاده باشد و اینه، الله اممه ده قدر راه داشت اولوی و پرسیم که
آشنیه و حیات همراه این نهاده بولوی.

آشنا باه و حاصل همه ایام اینها نیز بودند.
میرید دو پیغماش و خلیفه دینه اکبر ششم عادتاً خوب است. بحیثیه همانکه پانزده پانزده هزار
کدم عبده « فارس این بدرت قبیله هنیه مهلاکه — تفضل له که مفره ای قبکوه » (۴) بیهقی
(۴) هفتاد و سی و هشت سالگی « برخواستی « برخواستیه دل آزاده من قبکوه — کوز رکه به بیهقیه که قبکوه »
در نظریه زنجراست.

